



تاریخ انتشار: دوشنبه 13 آذر 1391



حسین موسویان:

آمریکا باید معامله بزرگی با ایران انجام دهد

جایگزین تعامل یک فاجعه برای صلح و امنیت جامعه بین المللی است که نهایتاً آمریکا را ناگزیر به وارد شدن در جنگ سومی در خاورمیانه می کند که برای ایران، ایالات متحده و دیگر مناطق جهان فاجعه بار خواهد بود. بنابر این پیشرفت دیپلماتیک یک باید است نه یک انتخاب.

دیپلماسی ایرانی: حسین موسویان، مذاکره کننده سابق هسته ای ایران مدتی است که نظریه های خود برای حل بن بست هسته ای ایران با غرب را در چارچوب مقاله هایی برای رسانه های معتبر خارجی ارائه می دهد. وی مدافع گفت و گو مستقیم ایران و آمریکا و حل مساله هسته ای به شیوه ای دیپلماتیک است. موسویان در تازه ترین مقاله خود برای روزنامه **کریستین ساینس مانیتور** اعلام کرده پیشرفت دیپلماتیک در مورد مساله هسته ای ایران یک باید است نه یک انتخاب چرا که جایگزین معامله بزرگ با ایران، جنگ است که برای منطقه و جهان فاجعه بار خواهد بود. آنچه در زیر می خوانید متن ترجمه شده این مقاله است.

برای ایران، بحران هسته ای مهمترین چالش امنیت ملی و سیاست خارجی از زمان جنگ ایران و عراق در سال های 1980 به شمار می رود. شاید این کشور صد ها هزار نفر از سربازان و غیر نظامیان را در این جنگ از دست نداده باشد اما سنگین ترین تحریم ها در تاریخش، سوء قصد به جان دانشمندان هسته ای و فشار بین المللی - که بنیاد روابط منطقه ای و رابطه با قدرت های غربی و شرقی با آنها به لرزه درآمده است - را تحمل کرده است. شاید این نتیجه گیری واقع گرایانه باشد که بگوئیم ایران هم اکنون هزینه یک بمب هسته ای را پرداخت می کند.

این در حالی است که ایران هنوز حق غنی سازی خود را به موجب پیمان منع اشاعه هسته ای واگذار نکرده و در مقابل رویکردی مصمم تر و مبارزه جویانه تر پیش گرفته است. امروز ایران بیش از 10 هزار سانتریفوز در اختیار دارد و غنی سازی را به سطح 20 درصد رسانده که در تضاد با آنچه قرار دارد که سازمان ملل و غرب خواستار آن هستند. به این ترتیب ظرفیت غنی سازی در ایران به نقطه غیر قابل بازگشت می رسد.

در حالی که دو طرف در چنین سطح بالایی بازی می کنند، این دوئل می تواند یک بازی برد- برد باشد که در آن غرب بیش از هر زمان دیگری ایران را تحت فشار قرار داده و در مقابل برنامه های هسته ای جمهوری اسلامی نیز ادامه دارد. اما به گمان من این می تواند یک بازی باخت - باخت باشد، چرا که یک تراژدی در پایان بازی به انتظار نشسته است. اما با یک معامله بزرگ می تواند از این وقوع این تراژدی پرهیز کرد.

این دلگرم کننده است که محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران اخیراً اعلام کرد مساله هسته ای ایران سیاسی شده و باید از طریق مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا حل شود. این یک چرخش بزرگ در درک رئیس جمهور ایران به نظر می رسد.

زمانی که من در سال 2005 احمدی نژاد را به عنوان یک نامزد احتمالی برای پست وزیر امور خارجه ملاقات کردم، در خصوص روابط ایران و آمریکا و نقش ایالات متحده در پرونده هسته ای ایران سخن گفتم. وی در آن زمان با پیشنهاد من برای تقویت گفت و گو با غرب شامل آمریکا به منظور حل کابوس هسته ای ایران مخالف بود. وی غنی سازی را یک مساله فنی و قانونی و یک حق مشروع برای جمهوری اسلامی طبق پیمان منع اشاعه هسته ای قلمداد می کرد. من خاطرنشان کردم که برای غرب این مساله نه فنی و نه قانونی بلکه سیاسی است و به مذاکرات مستقیم تهران و واشینگتن برای حل آن نیاز است.

اما اظهارات اخیر احمدی نژاد و اینکه در ایران در مورد آن اجماع نظر وجود داشته باشد، یک علامت سنوآل بزرگ است.

برسش دیگر این است که آیا باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا، توانایی هماهنگی و هدایت تعامل واقعی با ایران را دارد یا خیر. وی در دور نخست ریاست جمهوری خود تحریم های یکجانبه سنگینی را علیه ایران اعمال کرده است که با فشار، عملیات پنهانی و جنگ جاسوسی همراه بوده است. این اقدامات تنها به افزایش تنش ها و ضخیم تر شدن دیوار بی اعتمادی بین دو طرف کمک کرده و هر گونه شانس از سرگیری روابط را از نقشه سیاسی محو کرده است.

دولت اوباما به یک سیاست تعاملی جدید با ایران نیاز دارد تا به 33 سال «دیپلماسی به علاوه فشار» که از آن با تعبیر سیاست دو سویه یاد می شود و شکست خورده، پایان دهد. حکومت ایران به عمل بیش از گفتار اهمیت می

دهد به خصوص از زمانی که دراز شدن دست دوستی اوپاما به سوی ایران به تحریم های سنگین و فشار مضاعف همراه بود.

در دور دوم ریاست جمهوری، اینکه زمان آن رسیده تا دولت اوپاما پیشنهاد یک معامله بزرگ را به ایران ارائه کند، جایی که دیپلماسی دو سویه با اقدامات سازنده به منظور اثبات حسن نیت وی همراه است. چنین استراتژی باید به صورت هوشمندانه هم به لحاظ محتوا و هم شکل ظاهری تدوین شود تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری شود و تغییرات واقعی در روابط ایران و آمریکا ایجاد شود. همچنین لازم است ایران نیز این اقدامات را با برداشتن گام های مناسب به منظور تسهیل این روند، همراهی کند.

اوپاما در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از پیروزی در انتخابات گفت: باید راهی باشد که از طریق آن ایران به انرژی صلح آمیز هسته ای دست یابد و در ضمن به تعهدات خود عمل کرده و در مورد غیر نظامی بودن اهداف هسته ای اش نیز تضمین دهد. در زیر نقشه راهی تشریح می شود که که درک این هدف کمک می کند:

کشور های مذاکره کننده با ایران که با عنوان گروه 5+1 (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان) شناخته می شود. ایران دو راه فوری برای کاهش تنش ها و خطر جنگ پیش رو دارند: نخست اینکه ایران با توقف غنی سازی 20 درصدی موافقت کرده و آن را در حدود 5 درصد محدود کند تا از توقف بخشی از تحریم ها مانند تحریم های یکجانبه ای که از سوی آمریکا علیه واردات نفت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعمال می شود، بهره مند شود. یا اینکه به عنوان راه دوم، گروه 5+1 با استفاده از قانونی که در مجلس شورای اسلامی برای اجرای پروتکل الحاقی به تصویب رسیده، امکان دسترسی بیشتر بازرسان به سایت های هسته ای ایران را به دست آورد و در مقابل حق غنی سازی در ایران را به رسمیت بشناسد.

در صورتی که ایران و گروه 5+1 با گزینه دوم موافقت کنند به طور ملموسی مسائل فنی موجود بین ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی را حل می کنند.

گام بعدی باید یک بسته واقع گرایانه و جامع برای حل بن بست هسته ای ایران باشد.

چنین بسته ای باید شامل اطمینان از حداکثر شفافیت و همکاری ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی و تضمین ایران غیر هسته ای باشد. در مقابل این اقدام گروه 5+1 نیز باید حق غنی سازی در ایران را به رسمیت شناخته و تحریم ها را به تدریج لغو کند.

به طور همزمان، مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا بر سر مسائل گسترده تر، اهمیت زیادی دارد. از سرگیری روابط تنها در شرایطی امکان پذیر است که در دوره اجرا سیاست تعاملی، استراتژی دوسویه و دیگر اقدامات خصمانه شامل تحریم ها و دیگر فشار ها تعدیل شوند. تهران و واشینگتن همچنین باید در مورد یک دستور کار جمع برای از سرگیری روابط توافق کنند. این دستور کار شامل مسائل منطقه ای، دوجانبه و بین المللی است که طرح کلی بازاری را نشان می دهد و بخش بندی شده است.

برای مثال، ایران و آمریکا می توانند برای اعتمادسازی در مورد افغانستان همکاری کنند و سپس با سازماندهی یک انتخابات آزاد تحت نظارت جامعه بین المللی وارد سوریه شوند.

کنار گذاشتن زبان تهدید و تقویت دیدگاه ها در دو طرف برای حمایت از گفت و گو ها دست کم به طور موقتی نیز می تواند در زمان ادامه مذاکرات کمک کننده باشد. تهران و واشینگتن باید مخالفان داخلی و خارجی که روند این تلاش ها توسط آنها مختل می شود را شناسایی کرده و اجازه ادامه این اقدامات را به آنها ندهند.

این در حالی است که جایگزین این تعامل یک فاجعه برای صلح و امنیت جامعه بین المللی است. ادامه تحریم های اقتصادی و جنگ پنهانی علیه ایران، رفتار جمهوری اسلامی را رادیکال تر کرده و مانوردهی برخی سیاستمداران برای مصالحه را متشنج می کند. نهایتاً آمریکا نیز ناگزیر به وارد شدن در جنگ سومی در خاورمیانه می شود که برای ایران، ایالات متحده و دیگر مناطق جهان فاجعه بار خواهد بود. بنابر این پیشرفت دیپلماتیک یک باید است نه یک انتخاب.

تحریریه دیپلماسی ایرانی / 10

انتشار اولیه: پنجشنبه 9 آذر 1391 / بازانتشار: دوشنبه 13 آذر 1391

dynamic-0###

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.